

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باغ پریشان

هویت ایران در شعر عصر قاجار

تألیف:

دکتر مهدی میرکیایی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



شعری

سرشناسه	:	میرکیایی، مهدی، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور	:	باغ پریشان : هویت ایرانی در شعر عصر فاجار/ تألیف مهدی میرکیایی.
مشخصات نشر	:	تهران: نشر علم، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۲۰۰ ص.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۸۴۶-۹
وضع فهرست نویسی	:	فبها.
موضوع	:	شعر فارسی -- قرن ۱۳ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	:	Persian poetry -- 19th century -- History and criticism
موضوع	:	ادبیات فارسی -- قرن ۱۳ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	:	Persian literature -- 19th century -- History and criticism
موضوع	:	شاعران ایرانی -- قرن ۱۳ق.
موضوع	:	Poets, Persian -- 19th century
موضوع	:	ایران -- تاریخ -- فاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۳۲ق.
موضوع	:	Iran -- History -- Qajars, 1779 - 1925
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۵۳۷۹۱۲۲۲/م۸۲
رده بندی دیویی	:	۵۰۹.۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۵۲۷۵۳۳



کتابخانه ملی

باغ پریشان

هویت ایرانی در شعر عصر فاجار

تألیف: دکتر مهدی میرکیایی

(عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۸۴۶-۹

فهرست

۷.....	سخن، آغازین
۱۳.....	فصل اول: دوره نخست
۳۵.....	فصل دوم: دوره مابین
۶۴.....	فصل سوم: عصر مشروطیت
۱۷۳.....	پیگفتار
۱۷۸.....	مآخذ
۱۸۶.....	پیوست: شرح حال شاعرانی که به آثارشان ابر شهادت شده است

سخن آغازین

ادبیات از مهمترین منابع پژوهش در تاریخ است؛ به‌ویژه هنگامی که غرض، پیش از وقایع‌نگاری و یافتن حلقه‌های زنجیره حوادث، تفسیر یا توصیف جو عمومی جامعه و ذهنیت حاکم بر اندیشه‌ها و احساسات یک عصر باشد.

در این میان عصر قاجار از بزنگاه‌های مهم تاریخ ایران است، مواجهه چند جبهه و عمیق با غرب در سیاست، فرهنگ و اقتصاد و همزمانی با تحولات جدی در جهان، از انقلاب فرانسه تا جنگ اول جهانی و انقلاب روسیه و تأثیر پذیرفتن از این تحولات گره این ادعا هستند.

پیدا شدن هر سری پدیده‌های متنوع چنین عصر ویژه‌ای تنها نباید به شیوه‌های معمول تاریخ‌نگاری که بعضاً درباره اعصار و دوره‌های دیگر به‌کار گرفته می‌شوند متوسل شد. هر پدیده یا اندیشه‌ای را باید از مناظر مختلف سیاسی، فرهنگی و جامعه‌شناختی آن مورد رزیان قرار داد، به‌ویژه که منابع چنین بررسی‌هایی درباره عصر قاجار بیشتر در دوره‌های دیگر در اختیار ماست؛ ادبیات و به‌خصوص ادبیات منظوم یکی از این منابع است.

نکته در خور توجه، عادت نخبگان ایرانی به سخن گفتن با زبان شعر است. این متون منظوم گستره‌ای را از موضوعات علمی و فاضلانه مضامین سیاسی در برمی‌گیرد.

اندیشه‌مندان ایرانی این رفتار و عادت را تا سال‌های پایانی عصر قاجار ترک نکردند. به نظم کشیدن سرگذشت ایران توسط گویندگان مختلف و یا مطرح کردن مضامین اجتماعی و حتی سیاسی روز از سوی ایشان مجموعه‌ای از متون نظم را با موضوعات تاریخی، اجتماعی و سیاسی از این دوره به یادگار گذاشته است.

در عصر قاجار، از همان سال‌های نخست، رو در رو شدن با جهان خارج

به گونه‌ای بیشتر از دوره‌های قبل، ذهن نخبگان ایرانی را در قیاس و سنجش «خود» با «بیگانه» هوشیارتر و آنها را بیش از گذشتگان به مفهومی به نام «ایران» حساس کرد؛ اگر چه هیچ‌گاه متون ادبی و تاریخی ما با مفهوم «ایران» بیگانه نبودند.

این هوشیاری و حساسیت، به خصوص هنگامی که جامعه ایرانی با حوادثی همچون جنگ‌های ایران و روس و دست‌اندازی‌های استعمارگران در عصر ناصری و مظفری رو در رو شد، بیشتر تحریک می‌شد و مفهوم «ایران» در ذهن و زبان ایشان بر سفته‌تر، جدی‌تر مطرح می‌شد و پشامدهای مختلف همچون قرارداد ۱۹۰۷، اولتیموم روسیه، جنگ اول جهانی و قرارداد ۱۹۱۹ سبب می‌شد هر یک از ویژگی‌های این مفهوم نمایان‌تر و عناصری که آن را تعریف می‌کردند، مشخص‌تر شوند.

ذکر نکته‌ای ضروری است که آن گونه که اشاره شد اندیشه‌مندان ایرانی از دیر باز از سخن منظوم برای انتقال اندیشه‌ها، آن بهره برده‌اند و این سنت تا سال‌های پایانی عصر قاجار مورد اقبال و توجه بوده است. در همین رو در سخن ما واژه‌های «نخبگان» و «شاعران» به تناوب به جای همه به کار رفته‌اند از زمانی که می‌توان پیدایش حلقه روشنفکران را پیگیری کرد واژه‌های «نخبه» «شاعر» و «روشنفکر» در جای یکدیگر نشسته‌اند. در این میان بوده‌اند افرادی که هیچ‌گاه به عنوان شاعر شناخته نشده‌اند (همچون میرزا آقاخان کرمانی) اما متن‌هایی را در اشعار ایران و سرگذشت آن به صورت منظوم پدید آورده‌اند.

اگر غرض ما پیگیری حوادث و جریان‌های موجد تحول در نگاه شاعران به مفهوم ایران باشد آنگاه به اقتضای چنین محتوایی به یک دوره بندی خواهیم رسید. بدیهی است که تحول در نگاه به این مفهوم هم‌پای تحول اندیشه نخبگان در حوزه‌های دیگر بوده است، بنابراین تقسیم‌بندی ما به همان دوره‌بندی تحولات

جالب آنکه در لایه‌لای اشعار این دوره، باز هم می‌توان به رگه‌هایی از «ادبیات انتقادی» رسید؛ این ادبیات انتقادی به‌خصوص با دلوپسی و نگرانی برای سرنوشت موجودیتی به‌نام «ایران» پدید آمده و این خود، گواهی بر وجود تصویر متمایز، روشن و عمیق از ایران در ذهن شاعران آن عصر است.

دوره دوم که از نیمه عصر ناصری آغاز می‌شود حائز دو ویژگی است: نخست آنکه آگاهی‌های جذیدی پیرامون تاریخ گذشته ایران به‌دست آمده بود که نمونه برجسته آن پدیدار شدن چهره هخامنشیان از عمق تاریکی‌های تاریخ است. در این مقطع، تاریخ نگاران آن دوره تحول خود را طی می‌کند که بازتاب آن در ادبیات منظوم دیده می‌شود. دیگر حلقه روشنفکران در حال شکل‌گیری بود. این روشنفکران درمان‌های رایج ده‌های کشور تجویز می‌کردند و در این راه باید لایه‌های مختلف جامعه را با خیال هم‌راه می‌کردند و در این مسیر چاره‌ای نداشتند جز آنکه حساسیت عموم جامعه را نسبت به موجودیتی به‌نام ایران بالاتر ببرند. همین امر باعث شد تا تبلیغ «غیرت آب و خاک» و «تعصب میهنی» به راهبردی در میان ایشان تبدیل شود و به یکی از مضامین محوری آنان ایشان بدل گردد.

دوره سوم از سال‌های پایانی عصر مظفری آغاز می‌شود. تا آخرین سال‌های حکومت قاجارها بر ایران امتداد می‌یابد. اکنون دیگر گریه روشنفکران به روشنفکران انگشت شمار عصر ناصری محدود نمی‌شوند؛ تحولات غرب زمین، روزنامه‌نگاران و حتی خطبا و وعاظی که با اندیشه مشروطه و برخی همراهی نشان می‌دهند، هم صدا فریاد تحول خواهی و ایجاد تغییرات را سر می‌دهند. راهبرد ایشان همان رویکرد روشنفکران عصر ناصری است؛ دامن زدن به «غیرت آب و خاک» و «عشق به وطنی به نام ایران» تا مخاطبان‌شان در بخش‌های مختلف جامعه بیشتر دلوپس ایران و سرنوشت آن باشند و برای رسیدن به مطالبات دیگر

گروه نخبگان همچون مشروطیت، قانون و آزادی همراهی نشان دهند.

از سویی گفتیم که سنت سخن گفتن و بیان اندیشه‌ها در قالب شعر همچنان برجا بود و اکنون با تعدد مطبوعات، صفحات این روزنامه‌ها در بسیاری اوقات با اشعاری پر می‌شدند که همین راهبرد روشنفکران را دنبال می‌کردند: تبلیغ غیرت سرزمین مادری و تعصب میهنی.

به این ترتیب در این عصر انبوهی از ادبیات منظوم میهنی پدید آمد که شاعران آن را «وطنیات» نام گذاشتند و «ایران» موضوع اصلی شعر مشروطه شد.

در این میان حائمی که توأم با تهدید استقلال و تمامیت ارضی ایران بودند (قرارداد ۱۹۰۷، اولتیماتوم روسیه، حضور نیروهای روس و انگلیس در خاک ایران در جنگ اول جهانی، قرارداد ۱۹۱۹) یکی از پی‌دیگری سر رسیدند و آتش عواطف میهنی را در جامعه ایران شعله‌ور کردند که نخستین جلوه‌گاه آن ادبیات منظوم بود.

روشن‌تر شدن گذشته‌های دور ایران، روایت‌گر شکوه و گستردگی حوزه اقتدار حکومت‌های باستانی ایران بود، شاعران را به آن واکاوی و جست‌وجوی باستان جامعه‌ای آرمانی را متصور شوند. ساختن چنین تصویر انزوی گاران گذشته ایران کاربردهای متنوعی در سخن ایشان پیدا کرد. (نک بخش‌های ۳ تا ۳-۲-۴)

سخن گفتن از وطن با گریستن بر مصائب آن و ویرانی‌های همراه بوده اما همه اشعار تنها «بار عاطفی» نداشتند، تحلیل و تعلیل انحطاط ایران، بانه‌ها، می‌انداختند کم نبود؛ هر چند که با اشاره به برخی نمونه‌ها تلاش کرده‌ایم نشان دهیم در این رویکرد، شاعران تا چه اندازه محق بودند یا راه افراط را می‌پیمودند.

ذکر یک نکته در ارتباط با این دوره بندی ضروری به نظر می‌رسد. زمان آغاز و انجام هر دوره را نمی‌توان با خط‌کشی روشن و دقیق مشخص کرد. با عنایت به تدریجی بودن تحولات در حوزه‌های اندیشه و شناخت، انتساب هر دوره به رویکردی مشخص تنها به اعتبار غلبه نسبی آن رویکرد صورت می‌گیرد.

در مباحث این پژوهش، این نکته به خوبی در تحولات تاریخ‌نگاری ایران و تاثیر آن در میان نخبگان مشخص است. متن کتیبه بیستون در زمان محمد شاه قاجار رمزگشایی می‌شود و همراه رساله‌ای به محمد شاه تقدیم می‌شود؛ اما تاثیر آن تا پایان عصر ناصر در تاریخ‌نگاری‌های مورخان ایرانی دیده نمی‌شود. از سویی روایت ادب ایران بسیاری از متون نظم عصر مشروطه همچنان از کیومرث آغاز می‌شود و حتی در ایان عصر قاجار، وحید دستگردی از هوشنگ به عنوان چهره‌ای تاریخی یاد می‌کند. (نک بخش ۳-۲-۱۰) این در حالی است که نویسندگانی همچون میرزا محمدحسین خان فروغی در میانه عصر مظفری به نقل روایتی پیراسته از اساطیر در تاریخ ایران رسید بودند. (نک بخش ۲-۱)